

شب‌هنگام در جبعون خداوند در خواب بر سلیمان ظاهر شد و گفت: «آنچه را که می‌خواهی به تو بدهم درخواست کن» 6. سلیمان پاسخ داد: «تو به پدرم داوود که خدمتگزارت بود، محبتی عظیم نشان دادی، زیرا او در حضورت با وفاداری و پارسایی و دلی راست با تو سلوک می‌کرد. و این محبت عظیم را نسبت به او نگاه داشته، پسری به او بخشیدی تا امروز بر تختش بنشیند 7. و حال، ای یهوه خدای من، تو خدمتگزارت را به جای پدرم داوود پادشاه ساختی. ولی من جوانی کم سن و سال بیش نیستم و خروج و دخول را



نمی‌دانم 8. نیز خدمتگزارت میان قوم برگزیده تو است، قومی عظیم و چنان کثیر که آنها را نتوان شمرد و حساب نتوان کرد. 9 پس به خدمتگزار خویش دلی فهیم عطا کن تا بر قوم تو حکم براند، و نیک را از بد تمییز دهد. زیرا کیست که توانایی حکم راندن بر این قوم عظیم تو را داشته باشد؟ 10 «این درخواست سلیمان خداوند را خشنود ساخت 11. پس به او گفت: «چون چنین چیزی از من خواستی، و عمر دراز یا ثروت برای خود نخواستی، و نه جان دشمنانت را، بلکه به جهت خود فهم طلب کردی تا عدالت را تشخیص دهی، 12 اینک مطابق سخنت می‌کنم و تو را دلی حکیم و فهیم می‌بخشم آن‌گونه که پیش از تو مانند تو نبوده و پس از تو نیز همچون تو بر نخواهد خاست 13. و آنچه را نیز که نخواستی به تو خواهم بخشید، یعنی هم ثروت و هم شوکت را، تا در همه روزهایت هیچ پادشاه دیگر با تو به قیاس نیاید 14. و اگر در طریقه‌های من سلوک نمایی و فرایض و فرامین مرا به جا آوری، همان‌گونه که پدرت داوود سلوک می‌کرد، آنگاه روزهایت را طویل خواهم ساخت.»

15 سلیمان بیدار شد و دریافت خواب دیده است. او به اورشلیم آمده، نزد صندوق عهد خداوند ایستاد و قربانیهای تمام‌سوز و قربانیهای رفاقت تقدیم کرد. و برای تمامی خدمتگزاران خویش ضیافتی بر پا داشت.

در اصطلاح کنونی، فردی خردمند شمرده می‌شود، که به چیزی عالی برای خود دست یابد. به عنوان مثال کسی باهوش شمرده می‌شود وقتی او بتواند به نفع خود کاری انجام دهد یا به آن بیابد. ترفندهای مالیاتی، نکات سهام و البته سایر مدل‌های کسب و کار در چنین رفتاری ارائه شده‌اند. اما با وجود اینکه هیچ وقت از عیب صحبت نمی‌شود، همه می‌دانند که حقایق اغلب آراسته می‌شوند. گاهی اوقات اشتباهات کاملاً پنهان می‌شوند یا حتی به عنوان کلاهبرداری "بسیار هوشمندانه" فروخته می‌شوند. وقتی آشکار می‌شود که فرد شکست خورده است یا اشتباهی بزرگی مرتکب شده است، همه روی بر می‌گردانند و سعی می‌کنند با شوخی‌های بد موضوع را کنار بگذارند. امروز شما را به گفتگو در مورد موضوع حکمت واقعی دعوت می‌کنم که کاملاً متفاوت است. من از شما دعوت می‌کنم تا با من کشف کنید که سلیمان بزرگ درباره حکمت چه گفته، چه در مورد آن در ذهن داشته و چه از آن نوشته است. اولین چیزی که می‌توانیم از سلیمان بیاموزیم این است که او به جهت کاملاً متفاوت اشاره می‌کند. در حالی که در اصطلاح مدرن، شخصی «باهوش» است که به چیزی برای خود دست یافته است، سلیمان با نوع بسیار متفاوتی از خرد سر و کار داشت. خردی که از آن صحبت می‌کند در مورد منفعت عمومی است و نه به نفع خود سلیمان. او حتی با سود زندگی خود آغاز نکرد، بلکه در پیشگاه خدا شروع کرد... بعدها نوشت: "برای اینکه دانا شوی، ابتدا باید به خداوند احترام بگذاری. اگر آن قدوس را بشناسی حکیم خواهی گردید." با این حال، سلیمان این را خیلی دیرتر نوشت. در متن خطبه امروز، سلیمان را در آغاز کار خود می‌یابیم، زمانی که او با وظیفه عظیم تصاحب پادشاهی پدرش روبرو شد. او با این کار متوجه شد که قدرت خرد کافی ندارد تا آن وظیفه را عهده‌دار شود. و سلیمان در این شرایط چه کرد؟ او به سرچشمه همه حکمت‌ها، به سوی خدا رفت. و خدا به او دستور داد که دعا کند. در اینجا می‌خواهم مکتب کنم و یک بار دیگر زیر این کلمات خط بکشم: سلیمان دعا می‌کرد زیرا خدا از او چنین خواست! ما باید این واقعیت را تاکید و تکرار کنیم. سلیمان دعا می‌کرد چون خدا آن را دستور داده بود! و مسیحیان همچنین دعا می‌کنند زیرا خداوند به آن دستور داده است! زیرا نجات دهنده ما عیسی مسیح می‌گوید: "بخواهید تا به شما داده شود" (متی ۷، ۷). از عیسی دو دلیل برای دعا

می‌یابیم. از یک طرف، ما دعا می‌کنیم زیرا عیسی از ما چنین می‌خواهد. دوم، ما دعا می‌کنیم زیرا عیسی وعده داده است که دعای ما را اجابت کند. پس دعا هم وعده است و هم دستور. مارتین لوتر در کتاب تعلیم بزرگ خود در مقدمه دعای خداوند بر هر دو تأکید کرد. او در مورد فرمان می‌نویسد: «اول باید بدانیم که چرا باید دعا کنیم، یعنی به خاطر امر خداوند. زیرا همانطور که لوتر می‌گوید، امر به دعا در فرمان دوم آمده است. در فرمان دوم نه تنها یک ممنوعیت وجود دارد که ما نباید نام خداوند و سرور خود را بی‌دلیل به زبان بیاوریم. بلکه خدا دستور داده است به سوی نام مقدس خدا دعا کنیم. بنابراین امر به دعا در فرمان دوم خطاب به ما شده است که می‌گوید ما نام مقدس خدا را می‌ستاییم، ما در هر ضرورتی باید او را صدا بزنیم و به سوی او دعا کنیم. بنابراین به دعا کردن نیز مانند سایر احکام به شدت و جدیت دستور داده شده است...» و لوتر در مورد این وعده می‌نویسد: «به دلیل وعده ای که خدا داده است او ما را حرکت می‌دهد و حتی بیشتر تشویق می‌کند تا دعا کنیم. خدا در دعا وعده می‌دهد که باید آنچه ما می‌خوانیم را مستجاب کند، همانطور که او در مزمور ۵۰ می‌گوید: "در حال ضروری مرا بخوان تا تو را نجات دهم." اما ما باید یک گام به عقب نگاه کنیم سلیمان چه چیزی را در مورد دعا از خدا آموخت. پیش از آن که حتی یک کلام بر لبان سلیمان عبور کند، او به خدا گوش می‌داشت. بنابراین سلیمان به ما نشان می‌دهد که دعای واقعی گوش دادن به خدا است. این کاری است که ما هر یکشنبه در کلیسا انجام می‌دهیم. ابتدا کلام خدا را می‌شنویم. در آن به ما وعده نجات و بخشش خداوند داده شده است. و تنها در این صورت است که در دعای شفاعت از طریق نگرانی‌های خود پاسخ می‌دهیم. در مورد محتوای دعاها، می‌توانیم دوباره از سلیمان بیاموزیم. دعای سلیمان خیلی فراتر از حکمت کنونی است. به جای اینکه ظاهرسازی کند یا عیب‌هایش را نادیده بگیرد یا خود را به عنوان یک عمل‌کننده بزرگ نشان دهد، سلیمان فروتن بود. خود را ناتوان و بی‌فایده می‌دید و در خلاصه می‌گفت: «ولی من جوانی کم‌سن و سال بیش نیستم و خروج و دخول را نمی‌دانم.» او با نگاهی واقع‌بینانه و جسورانه توضیح می‌دهد که مردم زیادند و وظیفه قضاوت مردم طاقت فرسا است. و در همین نفس، سلیمان دعا نمی‌کرد که در اصطلاح امروزی «باهوش» باشد و از کل اوضاع به نفع خود استفاده کند، بلکه برای خیر عمومی دعا می‌کرد. سلیمان می‌دانست که حکمت خداوند هرگز برای فرد نیست، بلکه برای منافع عمومی است. در تمام تاریخ، خداوند هرگز یک پیامبر یا یک ابراهیم یا حتی یک نوح را به خاطر خودش انتخاب نکرده است، بلکه هدف همیشه بزرگ‌تر است. خداوند سلیمان را می‌ستاید و می‌گوید: تو «طول عمر و ثروت یا مرگ دشمنانت» را نخواستی، بلکه فهم و شعور برای شنیدن عدالت خواستی. ما امروز چقدر به این حکمت سلیمان نیاز داریم. ما در جامعه خود و همچنین در برخورد با هم‌نوعان خود به این خرد نیاز داریم. آری ما برای این مردم که در اطراف ما هستند اینجا هستیم. هدیه خرد به ما کمک می‌کند از تصمیمات کوتاه‌فکرانه و خودخواهانه اجتناب کنیم و تصمیمات دوراندیشانه‌ای بگیریم که به نفع همه باشد. چنین خردی «عاقلاً» نیست و حتی در دنیای ما می‌تواند کاملاً «غیر منطقی» شمرده شود. ما باید دوباره با دقت به سلیمان گوش کنیم. او از خداوند بزرگ‌ترین منفعت را نمی‌خواهد، بلکه «اطاعت» می‌خواهد: «کنون به بنده خود دلی مطیع عطا کن تا قوم تو را داوری کند و بفهمد خیر و شر چیست». نگاه ما معطوف به عیسی مسیح است که در او سرچشمه حکمت و محبت خدا پنهان است. سرود خطاب به فیلیپیان در مورد او صحبت می‌کند: "او خود را فروتن کرد و تا حد مرگ اطاعت کرد، حتی به مرگ بر صلیب." همچنین می‌توان گفت: او حکمت را آموخت، حکمتی که برای خود نمی‌جنگد، بلکه برای دیگران. همه ما از حکمت او می‌آموزیم و زندگی می‌کنیم. خداوند از دعای سلیمان خشنود شد و آن را مستجاب کرد. آنقدر به او حکمت داد که امروز هم از حکمت سلیمان صحبت می‌کنیم. و علاوه بر آن، خداوند او را بیش از آن برکت داد. این کار که خدا کرد نوع ذات خداوند را نشان می‌دهد. - او بخیل نیست، بلکه حتی بیشتر از آنچه می‌توانیم بخواهیم به ما می‌دهد. جالب است بدانیم سلیمان چه واکنشی به دوستان کنونی ما که خودشان را خردمند می‌شمرند نشان می‌دهد. او احتمالاً ریش خود را می‌خاراند و سپس با صدای بلند اعلام می‌کند: "ترس از خدا آغاز همه حکمت‌ها است! آمین."